

بازنمایی فضای سوم در ادبیات مهاجرت نوجوان: بررسی رمان *خانه‌ی خودمان* اثر سینتیا

کادوها تا از منظر هومی بابا

فضه خاتمی نیا*

۷۴۴۵-۱۴۸۲-۰۰۰۰-۰۰۰۹

فهیمه ایمانی**

۵۸۲۰-۸۱۲۵-۰۰۰۷-۰۰۰۹

چکیده

ادبیات مهاجرت یکی از شاخه‌های مهم ادبیات پسااستعماری است که امکان بازنمایی تجربه‌های زیسته مهاجران را در بسترهای فرهنگی متکثر فراهم می‌کند. نظریه «فضای سوم» هومی بابا با تأکید بر هویت‌های سیال، در حال شدن و میان فرهنگی، ابزاری نظری برای تحلیل چنین متونی محسوب می‌شود. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از تحلیل محتوا، به بررسی بازنمایی فضای سوم در رمان *خانه‌ی خودمان* اثر سینتیا کادوها تا می‌پردازد. در این رمان، تجربه‌های زبانی، نژادی، نسلی و اقتصادی شخصیت‌های نوجوان مهاجر به گونه‌ای روایت می‌شود که منجر به شکل‌گیری هویتی میان‌جایی، آمیخته و چندلایه می‌گردد. این هویت، نه تماماً متعلق به فرهنگ مبدأ است و نه به فرهنگ مقصد، بلکه در فضایی بینابینی و سیال شکل می‌گیرد. تحلیل عناصر روایی، نظیر تضادهای فرهنگی، شکاف‌های زبانی، تجربه‌ی نابرابری و موقعیت‌های تبعیض‌آمیز، نشان می‌دهد که رمان با زبانی ساده اما چندلایه، مفاهیم پیچیده‌ای همچون بیگانگی، سازگاری، بازتعریف خود و تنش‌های هویتی را به مخاطب نوجوان منتقل می‌کند. یافته‌های پژوهش بر نقش ادبیات نوجوان در تبیین مفاهیم مرتبط با مهاجرت و کمک به درک بهتر موقعیت‌های هویتی مهاجران در جهان معاصر تأکید دارد.

واژه‌های کلیدی: پسااستعمار، ادبیات مهاجرت نوجوان، هومی بابا، فضای سوم، *خانه‌ی خودمان*.

* استاد یار، زبان و ادبیات انگلیسی، گروه زبان و مطالعات بین‌فرهنگی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران،

fezehkhataminia@gmail.com (نویسنده‌ی مسئول)

** دانشجوی کارشناسی ارشد، ادبیات کودک و نوجوان، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران، fahimeimani1377@gmail.com

۱. مقدمه

ادبیات پسااستعماری به عنوان یکی از حوزه‌های مهم در ادبیات معاصر، به بررسی تأثیرات استعمار، مهاجرت و جابه‌جایی‌های فرهنگی بر هویت و تجربه‌ی انسانی می‌پردازد. نویسندگان با بهره‌گیری از تخیل ادبی، کوشیده‌اند تجربه‌ی مهاجران را بازتاب دهند و پیچیدگی‌های زیست در جغرافیای فرهنگی را روایت کنند (Ashcroft, Griffiths & Tiffin, 2002). مهاجرت از دید برخی از نویسندگان، نه تنها به سلطه‌ی سیاسی می‌انجامد، بلکه به ازخودبیگانگی فرهنگی نیز منتهی می‌شود. با وجود گسترش این رویکرد در ادبیات بزرگسالان، ادبیات مهاجرت برای کودکان و نوجوانان کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ در حالی که این گروه سنی در معرض شدیدترین آسیب‌های روحی و هویتی ناشی از استعمار و مهاجرت قرار دارد (پارسی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۵۴-۵۶). در این آثار، کودکان نه تنها در جست‌وجوی بازتعریف «منِ مهاجر» هستند، بلکه با ساختارهای تبعیض‌آمیز، نژادپرستانه و آموزشی برآمده از گفتمان‌های استعماری نیز مواجه می‌شوند (Bradford, 2011).

43)

ادبیات مهاجرت کودکان و نوجوانان، اگرچه کمتر مورد بررسی قرار گرفته، اما نقش مهمی در بازنمایی تجربه‌ی مهاجرت، هویت‌های آمیخته، و تأثیر استعمار بر نسل‌های جوان دارد. نویسندگانی از کشورهایمانند هند، نیجریه، کارائیب و آمریکا، از جمله بنجامین زفانایا^۱، لورنا گودیسون^۲، و سینتیا کادوهاتا^۳ در آثار خود به چالش‌های کودکان مهاجر پرداخته‌اند. یکی از محورهای مهم این ادبیات، مهاجرت از شرق به غرب است؛ جریانی که پس از جنگ جهانی دوم شدت گرفت و به‌ویژه در روایت‌های مهاجران آسیایی در آمریکا حضوری پررنگ دارد. این ادبیات، موضوعاتی مانند هویتِ دوگانه، نژادپرستی و تبعیضِ زبانی را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که کودکان و نوجوانان نه تنها در جست‌وجوی هویت خود هستند، بلکه با نابرابری‌های ساختاری ناشی از مهاجرت نیز مواجه‌اند.

در میان این روایت‌ها، تجربه‌ی مهاجران ژاپنی در آمریکا اهمیت ویژه‌ای دارد. در باور عمومی آمریکا، مهاجرت آسیایی‌ها ناشی از استبداد، دیکتاتوری و تبعیض نژادی شدید در کشورهایشان بود، هرچند این روایت تنها بخشی از واقعیت مهاجرت را بازتاب می‌دهد. یکی از عواملی که موقعیت آسیایی‌ها، به‌ویژه ژاپنی‌ها را به خطر انداخت، بروز جنگ جهانی دوم بود. در جریان این جنگ، تنش‌های میان ژاپن و آمریکا به اوج خود رسید و موجب شد که آمریکایی‌ها نگاهی

¹ Benjamin Zephaniah

² Lorna Goodison

³ Cynthia Kadohata

بدبینانه به مهاجران ژاپنی داشته باشند و آنان را به عنوان جاسوسان دشمن تصور کنند. این تبعیض‌های نژادی ضربات جبران‌ناپذیری به ساختار اجتماعی و خانوادگی این جامعه‌ی مهاجر وارد کرد (پارسی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۰۰-۲۰۲). این رویدادها تأثیر عمیقی بر ادبیات مهاجرت گذاشت و زمینه را برای شکل‌گیری ادبیاتی فراهم کرد که از خلال نگاه کودک یا نوجوان مهاجر، معنای ازدست‌رفتن «خانه» و بازسازی هویت را می‌کاود؛ از جمله رمان *خانه‌ی خودمان* که به بررسی همین تجربه می‌پردازد. این رمان در بستر تاریخی دهه‌های میانی قرن بیستم روایت می‌شود. خانواده‌ی ژاپنی-آمریکایی داستان در آغاز از ایالت آیووا به ایالت جنوبی جورجیا کوچ می‌کنند؛ مکانی که پیشینه‌ای طولانی در تبعیض نژادی و تفکیک سیاه‌پوستان و مهاجران دارد (Du Bois, 1994: 45-50). در چنین فضایی، مهاجران آسیایی با تبعیضی چندلایه روبه‌رو می‌شوند: از یک سو به دلیل نژاد و از سوی دیگر به سبب پیشینه‌ی فرهنگی و زبانی خود. این زمینه‌ی تاریخی و مکانی، لایه‌ی اجتماعی تحلیل رمان را شکل می‌دهد و نشان می‌دهد که مفهوم «فضای سوم» در این اثر، تنها یک وضعیت نظری نیست، بلکه تجربه‌ای زیسته در دل تبعیض نژادی جنوب آمریکا است.

پژوهش حاضر با تمرکز بر رمان *خانه‌ی خودمان* در پی آن است که نشان دهد چگونه نویسنده با بهره‌گیری از مفهوم «فضای سوم» هومی‌بابا، هویت میان‌فرهنگی کودک مهاجر را بازنمایی می‌کند و چگونه این مفهوم در متن تبعیض نژادی جنوب آمریکا معنا می‌یابد. بر همین اساس، پرسش‌های پژوهش عبارت‌اند از: چگونه رمان *خانه‌ی خودمان* تجربه‌ی مهاجر ژاپنی — آمریکایی را از منظر تعامل هویت فرهنگی و تبعیض نژادی بازنمایی می‌کند؟ مفهوم «فضای سوم» در این اثر چگونه با بستر تاریخی و جغرافیایی جنوب آمریکا (میان آیووا و جورجیا) پیوند می‌یابد؟

۲. پیشینه بحث

در دهه‌های اخیر، پژوهش در حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان، به‌ویژه در پیوند با مطالعات پسااستعماری، گسترش چشم‌گیری یافته است. نظریات هومی‌بابا، به‌ویژه مفاهیمی چون فضای سوم، چارچوبی نظری برای فهم پویایی‌های هویت در متون مهاجرتی فراهم کرده‌اند. بخش عمده‌ای از این پژوهش‌ها به بازنمایی تجربه‌ی مهاجران، تبعیض نژادی و شکل‌گیری هویت‌های چندفرهنگی در میان نسل دوم مهاجران می‌پردازد.